

آیا راه انقلاب از اوین میگذرد؟ (۲)

در پی دیدار محمد شریعتمداری وزیر بازرگانی! دولت خاتمی از محل نگهداری برخی از زندانیان سیاسی اصلاح طلب، مطبوعات و خبرگزاری های رسمی وابسته به جناحین حکومت اقدام به انتشارعکس هایی از در و دیوار و آجرها و پله های نقاطی از محوطه داخل اوین و سلول آقای گنجی نمودند و طبق گزارشات ایشان زندانها امن و زندانیان به رقص و پایکوبی مشغول بودند! این تبلیغات درشرایطی انجام گرفت که زهرا کاظمی مدت زمان کوتاهی قبل از آن به دلایلی از جمله عکس گرفتن ازمحوطه خارجی زندان اوین به طرز فجیعی به قتل میرسد و دستگاه قضایی رژیم از رسیدگی به این پرونده طفره می رود و این جنایت با هزار ترفند و ریا انکار می شود. در ادامه این اقدامات شاهد امواجی تبلیغاتی ازطرف هر دو جناح در رابطه با آزادسازی زندانیان سیاسی، بهبود شرایط زندان ها و تبدیل سلول های انفرادی به « سونیت های رویایی و لوکس» در سراسر کشور می باشیم حتی امیر محبیان نظریه پرداز و سرمقاله نویس جناح انحصار طلب نیز خواستار آزادی بخشی از زندانیان سیاسی میگردد.

پیدا کنید عوامل سرکوب و شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی را ؟

واضح و روشن است که هرگاه ناظران بین المللی و نمایندگان نهادهای حقوق بشر قصد بازدید از زندان های ایران را دارند، جمهوری اسلامی به تکاپو افتاده و تلاش میکند تا آثار جنایات خود را مخفی نماید حتی اگر به عوامل اطلاعاتی و مزدورخود لباس مدافعان حقوق بشر و هواداران آزادی زندانیان سیاسی بپوشاند، اما امروزه جمهوری اسلامی باشرایطی متفاوت تر ازهمیشه روبرو است .

از جانبی باموج گسترده مبارزات توده ها در داخل واز سوی دیگر در محاصره سیاسی و نظامی درخارج مرزهای ایران و این مختصات به مانورهای تبلیغاتی رژیم چه در زمینه پذیرش معاهدات بین المللی وچه از نظر تظاهر به همکاری با نهادهای بین المللی حقوق بشر، خصلتی تدافعی تر و آغشته به عقب نشینی تدریجی در برابر مردم و زندانیان سیاسی داده است .

این عقب نشینی ازنظر جناحین حکومتی اهداف مشخصی را دنبال میکند، مانند آزادسازی بخشی از زندانیان سیاسی (اصلاح طلب)، ازطریق مرخصی دادن و تعدید متوالی مرخصی ها بدون اجبار به معرفی نزد نهادهای اطلاعاتی، جاخالی دادن و گریز ازتنگنای محاصره بین المللی وحل موقت بحرانهای سیاسی و اقتصادی موجود با اروپا و آمریکا، بازکردن نسبی وکنترل شده فضای سیاسی کشور برای خودی ها و در ادامه آن نجات انتخابات مجلس هفتم از تحریم گسترده با استفاده از

اهرم های تهییج و فریب برای کشاندن مردم به مراکز انتخاباتی .
این در شرایطی است که هر دو جناح بر سرنوشت محکوم به تحریم این انتخابات واقفند و برای نجات نظام به همگرایی بیشتر از پیش با یکدیگر میپردازند .
تردیدی نیست که امواج پراکنده اما گسترده جنبش های دانشجویی ، جوانان ، معلمان و اعتراضات کارگری در داخل و تلاش های همه جانبه اپوزیسیون دمکرات برای انتقال این فریادها به افکار و نهادهای عمومی و بین المللی ، مولد اصلی این عقب نشینی های موردی در رابطه با زندانیان سیاسی است که به تبع آن مقوله آزادی زندانی سیاسی در سرلوحه تبلیغات رژیم قرار داده است .
تبلیغات عوامفریبانه رژیم در حال حاضر ترمیم ساختارهای قضایی ، ایجاد تغییرات صوری در سازمان زندان ها و تغییر روش در برخورد با زندانیان سیاسی را شامل می شود که معمولاً رژیم های استبدادی بعنوان پیچ خطرناک سرنوشت میشناسند .
طرح این موارد نشان دهنده آن است که رژیم به آخر خط رسیده است و بدون حمایت های خارجی از جمله اروپا و آمریکا قادر به چپاول و غارت منابع ملی و دسترنج توده ها متکی بر سرکوب نیست و خود نیز به این حقیقت باور دارد و پذیرش قواعد بازی در ارتباطات خارجی تلاشی است که برای حفظ نظام صورت میگیرد .
ضرب المثلی است که میگوید اسب ها در سربالایی یکدیگر را گاز میگیرند اما در شرایط کنونی ایران و در سرازیری سقوط رژیم ، جناحین حکومتی برای بقا به یکدیگر نزدیکتر شده اند تا در گذر از این پیچ سرنوشت ساز و بر طبق قانون گریز از مرکز به بیرون پرتاب نشوند . طرح گسترده و تقسیم زندانیان سیاسی به خودی و غیرخودی از جانب اصلاح طلبان نیز در همین رابطه معنامیابند و حفظ نظام بامر زبندی در برابر رادیکالیسم جنبش های مردمی و سنبل های مقاومت آنان در زندان ها (غیرخودی ها) را در برنامه دارد .
این پروژه تبلیغاتی حکومت در کلیت خود بدنبال ایجاد تفرقه هم در میان مردم و هم زندانیان سیاسی است ، زیرا آنان دریافته اند که چنانچه آزادی زندانیان سیاسی اصلاح طلب یک خودزنی است ، رهایی تمامی زندانیان سیاسی به مثابه خودکشی و انهدام نظام دین سالاری و استبداد مذهبی است . رژیم واقف است که این اقدام به سرعت نور افشاء و طرح محاکمه دست اندرکاران و مسئولان جنایات رفته بر مردم کشورمان را طی ۲۵ سال اخیر در افکار عمومی داخل و خارج کشور به مسئله روز سیاسی تبدیل خواهد کرد و با سرنوشت قطعی نظام گره خواهد خورد . این گره

سیاسی جز با دگرگونیهای بنیادین، همه جانبه سیاسی / اجتماعی و محاکمه سران رژیم باز نخواهد شد.

در طی این روزها زندان اوین بعنوان مرکزی تبلیغاتی در دستور کار جناحین قرار گرفته است زیرا که این مکان از مهمترین و متراکم ترین مکان های ستیز با بیداد حاکمیت بوده است و بی شک این انتخاب بی دلیل نیست . در بیست و چند ساله اخیر جمهوری اسلامی این زندان را به مخوف ترین و پرمعما ترین مراکز اسارت زندانیان سیاسی در نوع خود تبدیل کرده است و تمامی امکانات ملی / مذهبی را برای اعمال جنایت و پاسداری از رازهای آن در اختیار گرفته است و همان طور که تهران بزرگ موضوع دعوی قطعی نیروهای انقلاب و ضدانقلاب بوده و هست زندان اوین نیز سبیل بود و نبود جمهوری اسلامی است .

اوین همواره و در طی دهه های اخیر میعادگاه عاشقان و شیفته گان آزادی و برابری بوده و هم چنان انباشته از آنان است . زندانی که میتوان گفت علیرغم اینکه مرکزی ترین نقطه تلاقی استبداد و ضد استبداد در طی سالیان دراز گذشته بوده است، هم چنان یکی از اسرارآمیز ترین و مخوفترین زندان های جهان باقی مانده و زیرزمینها، شکنجه گاهها و حسینیه آن محل شکنجه و قتل هزاران انقلابی و آزادیخواه پاکبخته بوده است .

ساکنین سریلند این ساختمان حکومتی و اسارتگاه انسانها که شاید وسعت آن به چند هکتار مربعی بیش نمی رسد، تا کنون رنج ها کشیده اند و جان ها بر سر اعتقادات خود نهاده اند . زندان اوین مکان نگهداری ، شکنجه و کشتار بهترین فرزندان این مرز و بوم بوده و انعکاسی از تضاد آشتی ناپذیر حکومتیان و مردم کشورمان محسوب می شود و آزادی زندانیان سیاسی بعنوان عقب نشینی در برابر خواستها و مطالبات مردمی میتواند انفجارهای سیاسی و اجتماعی گسترده ای را در پیآمدهای همه جانبه خود بگنجاند که دودمان کل حاکمیت را برباد دهد از آن جمله اند مطالبه فوری آزادی بیان، دگراندیشی، مطبوعات، حق ایجاد تشکل و تحزب، و رعایت حقوق بشر، و . . . این مطالبات با ذات و سیرت ضد بشری و افشاشده استبداد مذهبی حاکم همجنس نیستند .

روزبه وین

ruzbeh2009@yahoo.de